

بسم الله الرحمن الرحيم

تاریخ: ۹۸/۰۶/۰۲

موضوع: ضرورت «دشمن شناسی» در کلام امیرالمؤمنین (سلام الله علیه)

(سخنرانی در سپاه انصار الرضا علیه السلام، خراسان جنوبی، بیرجند)

فهرست مطالب این سخنرانی:

الگوی مثل «میثم تمار»!

ضرورت «دشمن شناسی» در کلام امیرالمؤمنین (سلام الله علیه)

اقسام دوگانه دشمن، از منظر امیرالمؤمنین (سلام الله علیه)

گفتگوی دوستانه، رمز پیروزی در مناظره

فتنه مذهبی بوشهر چگونه برطرف شد؟!؟

راه صحیح معاش و زندگی، با این سفارش ناب امیرالمؤمنین (سلام الله علیه)

عملی که اشرار را بر انسان مسلط، و دوستان را رنجیده خاطر می کند!

سیره عملی امام صادق (سلام الله علیه) در برخورد با اهل سنت

اینچنین شیعه، دشمن اهلبیت است!!

پروژه نفوذ در بدنه شیعه و حوزه های علمیه شیعه

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين و هو خير ناصر و معين الحمد لله و الصلاه
على رسول الله و على آله آل الله لاسيما على مولانا بقيه الله العن الدائم على اعدائهم اعداء الله الى يوم لقاء الله
الحمد لله الذي هدانا لهذا و ما كنا لنهتدى لولا أن هدانا الله

خدا را بر تمام نعمت‌هایش بویژه نعمت ولایت سپاس می‌گوییم و شاکریم که به ما توفیق داد امروز در
این محفل بسیار نورانی در جمع شما گرامیان حضور پیدا کنیم.

قبل از آغاز سخن این ایام بابرکت و نورانی که برخی از آن‌ها را پشت سر گذاشته‌ایم، خدمت شما تبریک عرض
می‌کنم. دهه مبارکه ولایت و عید سعید غدیر خم عیدالله الاکبر، میلاد امام کاظم و همچنین روز مباحله روز اثبات
حقانیت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) و صداقت ایشان و زمینه ساز ولایت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) را
به شما تبریک و تهنیت عرض می‌کنیم.

الگوی مثل «میثم تمار»!

امروز، روز شهادت «میثم تمار» بزرگ مدافع حریم ولایت و جانباز در راه امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) است؛
همو که با تمام توان و با همه وجود تا آخرین نفس و آخرین قطره خونس از حضرت دفاع کرد.

«میثم تمار» در دفاع از امیرالمؤمنین کوتاه نیامد تا جایی که دستانش را بردند که از علی دست بردارد، اما از
علی دست برنداشت. پاهای او را قطع کردند، با این وجود باز هم از علی دست بردار نبود. او را بالای دار زدند ولی
با همان حال از علی دست برنداشت.

بالای دار از دست و پای «میثم» خون فواره می‌زد، اما به جای آنکه ضجه بزند یا اظهار ناراحتی و درد کند فریاد
زد: ای مردم! در اطراف چوبه دار بیایید. من در فضیلت و حقانیت علی سخنان زیادی دارم. بیایید در لحظات
آخری که از عمر من باقیست، از علی برایتان بگویم.

«عمرو بن حریث» دوان دوان نزد «عبیدالله بن زیاد» می‌رود و می‌گوید: اگر «میثم» اینگونه به سخنرانی‌اش ادامه دهد، مردم کوفه بر علیه تو خواهند شورید. آن‌ها دستور می‌دهند زبان «میثم» را هم می‌برند. «میثم» تا آخرین قطره خون از علی دست برداشت.

باشد که همه این بزرگواران همچون «میثم تمارها»، «عمار یاسرها»، «حجر بن عدی‌ها»، «رشید هجری‌ها» که جان خود را در کف دست گرفتند و با تمام توان از ولایت دفاع کردند، برای ما الگو باشند که ما راه و مسیر و مرام آن‌ها را در جامعه احیاء و زنده بگردانیم.

ضرورت «دشمن شناسی» در کلام امیرالمؤمنین (سلام الله علیه)

بحثی که می‌خواستم در محضر شما بزرگواران داشته باشم که به حق ضرورت دارد امروز با توجه به هجمه‌های گسترده‌ای که علیه مذهب اهل‌بیت و علیه نظام مقدس برخاسته از فرهنگ اهل‌بیت وجود دارد، دقت بیشتری داشته باشیم.

آن موضوع دشمن شناسی و محورهای دشمن شناسی و تفاوت‌هایی است که ما می‌توانیم در این زمینه از مکتب امیرالمؤمنین (علیه السلام) داشته باشیم.

امیرالمؤمنین یکی از محورهایی که در «نهج البلاغه» و دیگر فرمایشاتشان مورد دقت قرار دادند و بارها به یاران، استانداران و فرماندارانی که منصوب می‌شدند توصیه می‌کردند در زمینه دشمن شناسی بود.

امیرالمؤمنین در نامه‌ای به «مالک اشتر نخعی» حاکم مصر منصوب از طرف حضرت می‌نویسد:

«وَمَنْ نَامَ لَمْ يَتَمَّ عَنَّهُ»

ملت و قومی که از دشمن غافل‌اند، بدانند دشمن آن‌ها غافل نیست.

نهج البلاغه، نویسنده: شریف الرضی، محمد بن حسین، محقق / مصحح: صالح، صبحی، ص ۴۵۲، خ ۶۲

افرادی که به خواب رفته و از دشمن غافل اند، بدانند که دشمن آن‌ها به خواب نرفته است. حضرت در حدیث دیگر می‌فرماید:

«مَنْ نَامَ عَنْ عَدُوِّهِ أَتْبَهَتْهُ الْمَكَائِدُ»

غرر الحکم و درر الکلم، نویسنده: تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، محقق / مصحح: رجائی، سید

مهدی، ص ۶۳۰، ح ۱۰۱۷

کسانی که از دشمن به خواب رفته‌اند و به دشمن توجه ندارند و موقعیت دشمن را تشخیص نمی‌دهند و در حوزه دشمن شناسی بصیرت‌های لازم را ندارند، بدانند روزی فرا خواهد رسید که دشمن اطراف آن‌ها را خواهد گرفت به طوری که نه توان دفاع دارند و نه امکان گریز. آن‌ها راهی جز تسلیم ذلت‌بار یا کشته شدن ندارند.

حضرت امیرالمؤمنین در حدیث دیگری می‌فرماید:

«لا تستصغرنَّ عدوًّا و إن ضعف»

هرگز دشمن را کوچک نشمار، گرچه از نظر قدرت بسیار ضعیف باشد.

غرر الحکم و درر الکلم، نویسنده: تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، محقق / مصحح: رجائی، سید

مهدی، ص ۷۴۶، ح ۶۷

هرگز دشمن را کوچک نشمارید، گرچه از دیدگاه شما دشمن بسیار ضعیف و خوار باشد. همین دشمن کوچک و ضعیف از بی‌توجهی شما استفاده می‌کند و بزرگ‌ترین ضربه را برپیکره جامعه و حیثیت و نظام شما خواهد زد.

مشاهده کنید در طول این ۴۰ سال از همان روزهای آغازین انقلاب اسلامی ایران ما چوب این مسئله را خورده‌ایم.

منافقین از همان روزهای آغازین انقلاب فعالیتشان را شروع کردند. آن‌ها روز ۲۲ بهمن به پایگاه‌های نظامی هجوم

آوردند طوری که سلاح‌ها را غارت کردند و آن‌ها را در جاهایی مخفی کردند تا روزی از آن‌ها استفاده کنند.

ما سال ۱۳۵۸ در آبادان از طرف حضرت امام در دانشگاه نفت آبادان بودیم. تقریباً مرکز اصلی فعالیت‌ها و تشکیلات «مسعود رجبی» در آبادان بود. آن‌ها آبادان را به جولانگاه خودشان تبدیل کرده بودند.

بنده شاید یکی از نفرات اولی بودم که تبلیغات علیه «مسعود رجبی» را آغاز کردیم و فرمایشات حضرت امام را دو سال قبل از انقلاب در نجف به در و دیوارها می‌زدیم.

بسیاری از مسئولین و حتی روحانیون بزرگوار مخالفت‌های شدیدی با این کار من داشتند که برایم واقعاً بسیار دشوار بود. الآن هم که این مطالب را برای شما نقل می‌کنم، قلبم از شدت ناراحتی به درد می‌آید.

اعاظم می‌فرمودند: "این گروه مجاهدین انقلاب (منافقین) بچه‌های خوبی هستند"، "حافظ «نهج البلاغه» هستند"، "نماز شب خوان هستند"، "حالا امام فرمایشی بیان کرده‌اند!!"

من گفتم: زمانی نخواهد گذشت که این افراد علیه نظام جنگ مسلحانه ایجاد خواهند کرد. اعاظم به بنده می‌گفتند: "شما خیلی بدبین هستید."

بنده به «حاج آقای جمی» ارادت خاصی دارم. من حکم امام جمعه ایشان را شخصاً از قم از محضر امام خمینی آوردم و در آبادان خواندم و اولین نماز جمعه را در خدمت ایشان بودم. ایشان می‌گفتند: "شما خیلی به این افراد بدبین هستید"، "آن‌ها بچه مذهبی‌اند!!"

من به ایشان گفتم: من با این افراد بودم و آن‌ها را می‌شناسم. خیلی از دوستان نزدیک ما جذب این دسته شده بودند و ما با آن‌ها جلساتی داشتیم. این‌ها همان مارکسیست‌ها و آتئیست‌هایی هستند که به خودشان رنگ مذهبی زده‌اند، ولی با مذهب بیگانه هستند.

فرمایشات امام نشان می‌دهد که آن‌ها اصلاً با مذهب و «نهج البلاغه» ارتباط واقعی ندارند. خود امام می‌فرمود: وقتی این افراد نزد من آمدند، به قدری از «نهج البلاغه» می‌گفتند که من روحانی که هفتاد سال در حوزه هستم اینقدر «نهج البلاغه» نمی‌خوانم.

علی‌ای حال ما از این غفلت استفاده کردیم. این غفلت هزینه سنگینی داشت، به قدری که حدود هفده هزار عزیز را از دست دادیم. لذا امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) می‌فرماید:

«لا تستصغرنّ عدوّا و إنّ ضعف»

و نیز فرمود:

«مَنْ نَامَ عَنْ عَدُوِّهِ أَتْبَهَتْهُ الْمَكَائِدُ»

اقسام دوگانه دشمن، از منظر امیرالمؤمنین (سلام الله علیه)

امیرالمؤمنین دشمن را به چند دسته تقسیم می‌کنند؛ دسته اول دشمنی است که جز قدرت و زور چیز دیگری نمی‌شناسد. با او از راه صلح وارد شدن و گفتگو کردن کاملاً اشتباه است، زیرا زور در برابر زور و قدرت در برابر قدرت.

دسته دوم دشمنی است که دارای عقل و وجدان است و ارزش صحبت کردن دارد. حضرت می‌فرمایند: صحبت با دسته دوم را از دست ندهید. همانطور که اگر بخواهید با دسته اول از راه مذاکره وارد شوید، او از فرصت استفاده می‌کند و بدترین ضربه را به شما خواهد زد.

به عنوان نمونه حضرت امام خمینی از همان روز اول اعلام کرد آمریکا دشمن سرسخت ماست و ما باید در برابر او قدرت‌نمایی کنیم.

یکی از توفیقاتی که خداوند عالم به بنده عنایت فرمودند این است که بیش از دویست جلسه مناظره در خاک عربستان سعودی با علمای بزرگ عربستان، مفتیان، اساتید دانشگاه‌ها و دانشجویان داشتم. مجموع این مناظرات در سه جلد ۱۸۰۰ صفحه‌ای چاپ شده است.

یکی از مباحثی که برای ما جذاب بود، این بود که سال ۱۳۸۴ با عده‌ای از دانشجویان ارشد دانشگاه أم القری ملاقات داشتیم. قطعاً شنیدید دانشگاه أم القری یکی از دانشگاه‌های ایدئولیک پرور عربستان است. فارغ التحصیلان این دانشگاه اغلب به درجات مختلفی نظیر سفیر، امامت جمعه و رده‌های بالای قوه قضاییه نائل می‌شوند.

عمدتاً هیئت امر به معروف و نهی از منکر بیت الله الحرام هم با این دانشجویان است. ما یک شب تا ساعت سه و نیم، چهار با این دانشجویان بحث می‌کردیم. یکی از دانشجویان مطلبی را گفت که بنده فایل مکتوب آن را هم خدمت آیت الله ری شهری ارائه دادم.

او گفت: شما افتخار کنید رهبری دارید که می‌گوید "امریکا هیچ غلطی نمی‌تواند بکند!"، ولی رهبران ما در عربستان به نوکری امریکا افتخار می‌کنند. رهبران شما مایه سربلندی شما هستند، اما رهبران ما موجب سرافکنندگی ما هستند.

ما خجالت می‌کشیم از اینکه پادشاه عربستان با رئیس جمهور امریکا شراب سرو می‌کند و برای ما مایه ننگ است. اگر روزی رهبر انقلاب را از نزدیک ملاقات کردید، از طرف ما دست بوس ایشان باشید و بگویید: "ما دانشجویان با تفکر وهابی شما را قبول نداریم و مذهب شیعه را مذهب شرک می‌دانیم، اما ما به این شهامت و شجاعت شما افتخار می‌کنیم. ای کاش این روحیه و جسارت را رهبران ما نیز دارا بودند."

این یک دسته از دشمنان است که باید سرسختانه در برابرش قد علم کنیم. در طول هفت، هشت سال اخیر نیز برای همگان روشن شد که قضایا از چه قرار است.

اخيراً که پهباد فوق پیشرفته آن‌ها سقوط کرد، شیر گاو شیرده‌شان هم تمام شد و دیگر جرئت نمی‌کنند چیزی بگویند و اگر هم بگویند در جواب می‌گویند که شیرشان تمام شده است و مجالی برای دوشیدن ندارید. به طور کلی ورق برگشت.

قطعاً همه شما از رسانه‌های بین‌المللی و حتی رسانه‌هایی که دست معاندین هست، اطلاع دارید و در خبرهایی که به صورت محرمانه می‌آید می‌بینید که در حال حاضر بسیاری از ماهواره‌های معاند مانند «بی‌بی‌سی» تقریباً صد و هشتاد درجه تغییر کرده‌اند.

این یک نمونه از قدرت‌نمایی بزرگ ایران در مقابل امریکا به حساب می‌آید. امریکا از این قضیه مبهوت ماند و نمی‌تواند تحلیل کنند. امریکا آنچنان در شوک فرو رفته که قدرت تفکر را از او گرفته است.

ماه گذشته دولت امریکا پیامی داد مبنی بر اینکه شما اجازه انجام چند عملیات و اقدام را در ایران بدهید و عکس‌العملی هم نشان ندهید تا آبروی ما در جهان حفظ شود!! ولی سپاه جواب داد: با مشاهده کوچک‌ترین عملیات از سوی امریکا، با سخت‌ترین وجه مواجه خواهید شد. در نتیجه امریکا مجبور به عقب نشینی شد.

مشاهده کنید یک مرتبه با دشمنی مواجه هستید که راه اصلاح وجود دارد. امیرالمؤمنین در رابطه با دسته دوم می‌فرماید:

«الاستِصْلَاحُ لِلْأَعْدَاءِ بِحُسْنِ الْمَقَالِ وَ جَمِيلِ الْأَفْعَالِ أَهْوَنُ مِنْ مُلَاقَاتِهِمْ [وَ مُعَالَبَتِهِمْ] بِمَضِيضِ الْقِتَالِ»

به صلاح آوردن و اصلاح دشمنان با گفتار نیک و کردار زیبا آسان‌تر از برخورد و پیروز شدن بر آن‌ها به وسیله پیکارهای مصیبت‌بار است.

عیون الحکم و المواعظ، نویسنده: لیثی واسطی، علی بن محمد، محقق / مصحح: حسنی بیرجندی، حسین،

اگر شما صلاحیت سخن گفتن و مذاکره با دشمن را می‌بینید، با گفتار نیک و برخورد نیکو با او مذاکره کنید. مذاکره‌ای که تمام منافع شما در آن مذاکره تضمین شده باشد، نه مذاکره به معنای آنکه از شما امتیاز بگیرند بدون اینکه امتیاز بدهند.

اگر بتوانید دشمن را در مذاکره‌ای که تمام منافع شما تضمین شده باشد جذب کنید، به مراتب بهتر از این است که با برخورد نظامی در برابر او جبهه بگیرید. حضرت در روایت دیگر می‌فرماید:

«مَنْ اسْتَصْلَحَ عَدُوَّهُ زَادَ فِي عَدَدِهِ»

اگر شما یک دشمن را به دوست تبدیل کنید آمار دوستانتان بیشتر می‌شود.

عیون الحکم و المواعظ، نویسنده: لیثی واسطی، علی بن محمد، محقق / مصحح: حسنی بیرجندی، حسین،

ص ۴۴۵، ح ۷۸۳۸

اگر بتوانید دشمن را با مذاکره و طرح دوستی جذب کنید، قطعاً در آمار دوستان و سپاه شما افزوده خواهد شد.

گفتگوی دوستانه، رمز پیروزی در مناظره

بنده که شخصاً مذاکرات فراوانی با وهابی‌ها و سلفی‌ها داشتم، بر این عقیده هستم اگر بتوانیم با نود درصد کسانی که به سلفی‌ها و وهابیت و فرقه یمانی‌ها ملحق می‌شوند دوستانه برخورد کنیم، این افراد قابل جذب و اصلاح هستند.

بنده سال ۱۳۸۴ ماه رجب به مکه مکرمه مشرف بودم. شب چهاردهم یک شب بعد از میلاد امیرالمؤمنین نزدیک حجر الأسود مشغول طواف بودم که دیدم آقای ۳۰ ساله دست روی شانه من گذاشت و شروع به فحاشی به من کرد.

او از من شماره تلفن خواست و من به او شماره دادم. او گفت: من یقین ندارم شماره شما واقعی باشد. اجازه بدهید من تلفن بزنم تا ببینم موبایل شما زنگ می‌خورد یا خیر. او تلفن زد و دید که تلفن من زنگ می‌خورد. بعد از آن ماجرا چندین سال با هم ارتباط تلفنی داشتیم.

اگر آن روز که ایشان فحاشی می‌کرد، بنده نیز متقابلاً همین کار را می‌کردم، نتیجتاً شرطه‌ها را خبر می‌کردند. من تجربه‌های فراوانی در این زمینه دارم. بنده حتی با کسانی که جذب داعش می‌شوند ارتباط برقرار کرده و دوستانه با هم صحبت می‌کنیم.

بنده به دوستان هم سفارش می‌کنم که هنگام صحبت با کسانی که به داعش پیوسته‌اند، ابتدائاً موضع نگیرید که شما فلان و فلان هستید. ابتدا باید بگویید ما هم می‌خواهیم به داعش بپیوندیم، اما چند سؤال و شبهه برایمان ایجاد شده که دوست داریم شما جواب بدهید. وقتی انسان با این افراد صحبت می‌کند و چند شبهه مطرح می‌کند، آن‌ها متوجه اشتباهاتشان می‌شوند.

در اهواز دوستان ما با بعضی از رهبران این افراد صحبت کردند. آن‌ها مدعی شدند که شما تا به حال کجا بودید که ما را از این تباهی و اشتباه بیرون بیاورید. چرا قبل از آنکه ما جذب این فرقه فاسد شویم، نیامدید؟!

فتنه مذهبی بوشهر چگونه برطرف شد؟!

خاطرم هست روز دوم فروردین سال ۱۳۸۷ یا ۱۳۸۸ بعد از نماز صبح هنوز آفتاب درنیامده بود مشغول کار با کامپیوتر بودم که تلفن همراهم زنگ خورد. آیت الله بوشهری مدیر حوزه‌های علمیه پشت خط بودند. تلفن را برداشتم و ایشان گفت: آقای قزوینی شما در قم نشستید و خبر ندارید که وهابی‌ها در شهر ما بیداد می‌کنند. من از ایشان پرسیدم: جریان چیست؟

ایشان در جواب گفت: سه نفر از اینجا در امارات دوره وهابی پروری دیده بودند. حال به یکی از مناطق ما برگشتند و سیصد نفر از بچه شیعه‌ها را وهابی کرده‌اند.

یکی از آن‌ها تمام مهرهای مسجد را که اسماء ائمه روی آن هست را در توالت‌ها ریخته و فتنه ای در اینجا درست کرده است. اگر آب در دست دارید زمین بگذارید و به اینجا بیایید.

مسئولین وزارت اطلاعات این افراد را دستگیر کرده و در زندان انداخته است، اما آن‌ها در آنجا هم دست از شورش و فعالیت برداشتند و بسیاری از زندانی‌ها را سمت خود کشیده‌اند.

آن‌ها می‌گویند: "جمهوری اسلامی مشرک، توانایی مناظره و بحث با ما را ندارد و ما را زندانی کرده‌اند." آن‌ها زندانی‌ها را به وهابیت کشانده‌اند.

بنده قبول کردم و به همراه دو تن از دوستان از جمله «آیت الله نجم الدین طبسی» و دامادشان «حاج آقای خوش نویس» خودمان را تا فردا به بوشهر رساندیم.

وقتی داخل زندان شدیم سه نفر در یک طرف نشسته بودند و ما هم در یک طرف نشستیم. بنده از آن‌ها پرسیدم که قضیه چیست و آن‌ها هم همانند وهابی‌ها شروع به خواندن بعضی آیات از جمله:

(إِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ عِبَادٌ أَمْثَلُكُمْ)

آن‌هایی را که غیر از خدا می‌خوانید (و پرستش می‌کنید) بندگان همچون خود شما هستند.

سوره أعراف (۷): آیه ۱۹۴

را بیان کردند. بنده رو به رهبر و بزرگ‌ترشان کردم و گفتم: آیا آیه ۹۷ سوره یوسف را هم خوانده‌اید که خداوند می‌فرماید:

(یا اَبَانَا اسْتَغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا إِنَّا كُنَّا خَاطِئِينَ)

پدر! از خدا آمرزش گناهان ما را بخواه که ما خطاکار بودیم.

سوره یوسف (۱۲): آیه ۹۷

اگر واقعاً خواندن غیر خدا شرک است، پس چرا حضرت یعقوب به پسرانش نگفت: خدا را بخوانید؟! خداوند متعال می‌فرماید:

(ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ)

مرا بخوانید تا (دعای) شما را اجابت کنم.

سوره غافر (۴۰): آیه ۶۰

چرا به سراغ من آمده‌اید و از من می‌خواهید که خدا به واسطه من گناه شما را ببخشد؟! این کار شرک است. او گفت: حاج آقا یک قرآن ترجمه‌دار به من بدهید تا من ببینم که قضیه چیست.

داستان از این قرار بود که آن‌ها به امارات رفته بودند و در آنجا تخلفی کرده بودند. قاضی دستور داده بود برای جبران محکومیتتان از ۳ تا ۱۰ سال در زندان بگذرانید، اما اگر یک دوره اسلام راستین ببینید و بعد در شهرتان تبلیغ کنید کل دوران محکومیتتان بخشیده می‌شود.

من از او پرسیدم: تحصیلات شما سه نفر چقدر است؟! یکی از آن‌ها گفت: من تا دوم راهنمایی بیشتر نخواندم. نفر بعد برادرش بود که تا پنجم ابتدایی درس خوانده بود. درد ما آنجا بود که نفر سوم یک طلبه از حوزه علمیه آیت الله دستغیب پایه شش یعنی در حد فوق دیپلم بود.

من کمتر از ده دقیقه با این‌ها صحبت کردم، اما دیدم که هر سه نفر مخصوصاً آن شخص طلبه به گریه افتادند به طوری که قطرات اشکشان جاری بود. آن‌ها می‌گفتند: شما تا به حال کجا بودید که ما را نجات بدهید؟ خدا از آسمان شما را رساند.

ما حدود ۲ الی ۳ سال است که این بحث را شروع کردیم، اما بعضی از روحانیت به جای اینکه با ما صحبت کنند، علیه ما حرف زدند که آن‌ها ازدواج با خواهر و مادر را جایز می‌دانند. جوان‌ها هم که دیدند برخورد روحانیون با ما اینگونه است، جذب ما شدند.

آیت الله بوشهری باز هم از قم زنگ زدند که به منطقه وحدتیه هم سری بزنید و آنجا هم صحبت کنید. ما به آنجا رفتیم و با تمام جمعیت آن منطقه در یک مسجد هم صحبتی داشتیم. الحمدلله تمام این فتنه خوابید.

این سه نفر و سیصد نفری که جذب آن‌ها شدند جزئی از جامعه و پاره تن ما هستند. آن‌ها جوان و ناآگاه هستند که تبلیغات سوء آن‌ها را به این سمت اشتباه کشانده است. اگر این افراد را زندان کنیم و شلاق بزنیم یا اعدام کنیم، جز اینکه آمار دشمنان و افراد ناراضی زیادتر می‌شود چیزی ندارد. لذا امیرالمؤمنین می‌فرماید:

«مَنْ اسْتَصْلَحَ عَدُوَّهُ زَادَ فِي عَدَدِهِ»

اگر ما بتوانیم یک دشمن را اصلاح کرده و او را از مسیر انحرافی برگردانیم، بر آمار دوستان و سپاهیانمان افزوده خواهد شد. بنابراین اگر ما این روش را داشته باشیم، روش بسیار خوبی است.

راه صحیح معاش و زندگی، با این سفارش ناب امیرالمؤمنین (سلام الله علیه)

نکته زیبایی از امیرالمؤمنین نقل شده است که به نظر من ارزش آن را دارد این جمله را بنویسیم و همیشه جلوی چشممان باشد. اگر تمام روانشناسان عالم جمع شوند، نمی‌توانند اینطور جمله‌ای زیبا بیان کنند. حضرت می‌فرماید:

«أَحِبِّ حَبِيبَكَ هَوْنًا مَا عَسَى أَنْ يَكُونَ بَغِيضَكَ يَوْمًا مَا»

در دوستی با دوست مدارا کن، شاید روزی دشمن تو گردد.

دوستی با دوستان معتدل باشد و اسرار زندگیتان را در اختیار دوستان قرار ندهید. لزومی ندارد که تمام اسرار زندگی شخصیتان را در اختیار دوست، همکار، مافوق، زیردست، همسر یا برادر خود قرار بدهید.

روزی پیش خواه آمد که همین دوست به عللی دشمن شما خواهد شد و تمام اسرار را فاش می‌کند. روزی همسر شما خدای ناکرده از شما ناراضی می‌شود و بسیاری از اسرار شما را به خانواده خود می‌گوید. یک آن می‌بینید آبرو و حیثیتی که داشتید از بین رفت.

«أَحِبِّ حَبِيبَكَ هَوْنًا مَا عَسَى أَنْ يَكُونَ بَغِيضَكَ يَوْمًا مَا»

با دوستان معتدل باش. هر فردی در زندگی یک سری اسرار و لغزش‌هایی دارد. انسان نباید تمام اسرار و ما فی الضمیر و گذشته‌های خودش را برای کسی بگوید. این اخلاص نیست، بلکه خیانت به خود است.

بعضی از افراد هستند که وقتی شروع به صحبت می‌کنند از همه چیز تعریف می‌کنند و فکر هم نمی‌کنند که به سودش است یا به ضررش تمام می‌شود.

حال طرف مقابل که گوش می‌دهد تمام گفته‌های او را مثل نوار ضبط می‌کند. آن روزی که با شما به جدال و اختلاف برخورد این نوار را در ذهنش باز می‌کند و علیه شما سمپاشی کردن را شروع می‌کند.

«وَأَبْغُضْ بَغِيضَكَ هَوْنًا مَا عَسَى أَنْ يَكُونَ حَبِيبَكَ يَوْمًا مَا»

و در دشمنی با دشمن نیز مدارا کن، زیرا شاید روزی دوست تو گردد.

اگر با کسی میانہات به ہم خورد آبرو و حیثیتش را به باد نده و تمام اسرار زندگی اش را فاش نکن، زیرا ممکن است ہمین دشمن یک روز دوست شما شود.

ممکن است آن روز از کارهای گذشته خود در حق دوستت خجالت بکشی و سر خود را پایین بیندازی و به یاد بیاوری این همان شخصی بود که وقتی میانہام با او به ہم خورد تمام اسرار زندگی او را فاش کردم و آبروی او را بردم.

این جمله امیرالمؤمنین در تمام جهات زندگی و تمام برخوردهای ما با دوستان و خانواده و آشنایان و جامعه و دشمنان تأثیر دارد و سعی کنیم الگوی ما باشد. اگر این جمله را الگو قرار دادیم، به فرموده حضرت راه صحیح معاش و زندگی کردن را فرا گرفته ایم.

این روایت همچنین در کتاب «شرح نهج البلاغه» اثر «ابن ابی الحدید معتزلی» جلد ۱۹ صفحه ۱۵۶، کتاب «وسایل الشیعه» جلد ۱۲ صفحه ۱۴۸ و کتاب «امالی» اثر «شیخ طوسی» صفحه ۳۶۵ وارد شده است و مصادر متعددی جمله حضرت را مطرح کردند.

عملی که اشرار را بر انسان مسلط، و دوستان را رنجیده خاطر می کند!

نکته بعدی رعایت ادب در برخورد با دیگران است. حضرت می فرماید:

« وَ إِيَّاكَ أَنْ تَضْحَكَ مِنْ غَيْرِ عَجَبٍ أَوْ تَمْشِي وَ تَتَكَلَّمُ فِي غَيْرِ أَدَبٍ »

در صحبت با دیگران کلام مؤدبانه به کار ببرید.

أعلام الدين في صفات المؤمنين، نویسنده: دیلمی، حسن بن محمد، محقق / مصحح: مؤسسة آل البيت

عليهم السلام، ص ۲۷۳، فصل من أقوال النبي ص و الأئمة و مواعظهم

تلاش کنید وقتی با دیگران سخن می‌گویید، کلماتتان مؤدبانه باشد و کلماتی که زنده باشد طرف مقابل را برنجاند به زبان نیاورید. فرمود:

« حُسْنُ الْأَدَبِ زِينَةُ الْعَقْلِ »

زینت عقل انسان ادب اوست.

کنز الفوائد، کراچی، محمد بن علی، محقق / مصحح: نعمة، عبد الله، دارالذخائر، قم؛ ج ۱، ص: ۲۹۹

از طرفی هم حضرت در روایتی می‌فرماید:

«إِيَّاكَ وَ مَا يَسْتَهْجِنُ مِنَ الْكَلَامِ»

تلاش کنید سخنان زشت و ناروا بیان نکنید.

«فَإِنَّهُ يَخْبِسُ عَلَيْكَ اللَّئَامَ»

زیرا افراد پست بر شما مسلط شده و با شما با عبارتهای ناصحیح سخن می‌گویند.

«وَ يُفْرِغُ عَنكَ الْكَرَامَ»

و دوستان خوبتان از شما رنجیده خاطر خواهند شد.

عیون الحكم و المواعظ، نویسنده: لیثی واسطی، علی بن محمد، محقق / مصحح: حسنی بیرجندی، حسین،

ص ۹۹، ح ۲۲۸۵

در شوخی‌ها تلاش کنیم احترام طرف مقابل را حفظ کنیم و کاری نکنیم در شوخی‌ها حرمت شکنی کنیم. ظاهراً طرف مقابل از شوخی شما می‌خندد، ولی در درونش طوفانی ایجاد می‌شود که چرا با چنین جملات زننده و گزنده این تعابیر را به کار گرفت.

آن شخص کینه به دل می‌گیرد و در صدد است که روزی انتقام بگیرد. آن شخص به دنبال این است که در زندگی شما نقطه ضعفی پیدا کرده و مقابله به مثل کند.

حضرت همچنین در وصیتشان می‌فرماید:

«وَلَا تَتَكَلَّمُوا بِالْفُحْشِ»

سخنان ناسزا و فحش به زبان نیاورید.

«فَإِنَّهُ لَا يَلِيْقُ بِنَا وَلَا بِشِيعَتِنَا»

زیرا فحش دادن زبینه ما و شیعیان ما نیست.

مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، نویسنده: نوری، حسین بن محمد تقی، محقق / مصحح: مؤسسه

آل البيت عليهم السلام، ج ۱۲، ص ۸۲، ح ۱۳۵۷۵

لذا در این زمینه بسیار دقت کنید. امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) معاویه را مسلمان نمی‌داند و در نامه ۱۶ از کتاب «نهج البلاغه» با یک قسم شدید و غلیظ می‌فرماید:

«فَوَ الَّذِي فَلَقَ الْحَبَّةَ وَ بَرَأَ النَّسَمَةَ مَا أَسْلَمُوا»

قسم به خدای آفریننده هستی و بشر و قسم به خدای شکافنده دانه‌ها کسانی که در فتح مکه مسلمان شدند واقعاً اسلام نیاورند.

«وَلَكِنْ اسْتَسْلِمُوا»

بلکه تظاهر به اسلام کردند.

«وَأَسْرُوا الْكُفْرَ»

و کفر ظاهری را به کفر باطنی مبدل کردند.

نهج البلاغه، نویسنده: شریف الرضی، محمد بن حسین، محقق / مصحح: صالح، صبحی، ص ۳۷۴، خ ۱۶

نظر امیرالمؤمنین نسبت به منافقین چنین است؛ حال حضرت در جنگ صفین وقتی می‌بیند که بعضی از یاران به معاویه فحش می‌دهند در خطبه ۲۰۶ «نهج البلاغه» می‌فرماید:

«إِنِّي أَكْرَهُ لَكُمْ أَنْ تَكُونُوا سَبَّائِينَ»

من دوست ندارم یاران من حتی به معاویه فحش بدهند.

نهج البلاغه، نویسنده: شریف الرضی، محمد بن حسین، محقق / مصحح: صالح، صبحی، ص ۳۲۳، خ

۲۰۶

فحش سخن کسی است که دلیلی برای ارائه و صحبتی برای گفتن ندارد. شیعه افتخار می‌کند که مذهب او برگرفته از قرآن و سنت راستین محمدی (صلی الله علیه و آله) است. شیعه‌ای که به این مذهب افتخار می‌کند، انصاف نیست چهره این مذهب را با سخن فحش به دیگران آلوده کند و دیگران را به این مذهب بدبین کند.

سیره عملی امام صادق (سلام الله علیه) در برخورد با اهل سنت

«شیخ صدوق» در کتاب «اعتقادات» صفحه ۱۰۷ و «علامه مجلسی» در کتاب «بحارالانوار» جلد ۷۴ صفحه ۲۱۷ آورده‌اند به امام صادق (سلام الله علیه) عرض شد بعضی افراد به مساجد رفته و به مقدسات اهل سنت بی‌احترامی می‌کنند. حضرت فرمود:

«مَا لَهُ - لَعْنَةُ اللَّهِ»

چه مرضی دارد؟ خدا او را لعنت کند.

إعتقادات الإمامية، نویسنده: ابن بابویه، محمد بن علی، ص ۱۰۷، باب [۳۹] باب الاعتقاد فی التقیة

من بارها گفتم که در رسانه‌های شیعه و دیگر رسانه‌های اهل سنت چندین جلسه مناظره داشتم. بنده در «شبکه المستقله» که یکی از شبکه‌های وهابی متعلق به عربستان سعودی است چندین جلسه مناظره داشتم. همچنین در «شبکه نور» یکی از شبکه‌های ماهواره‌ای افغانستان که متعلق به اهل سنت است چندین جلسه مناظره داشتم. بنده بارها گفتم که اهانت به مقدسات اهل سنت گناه نابخشودنی است. ما با این قضیه منت بر سر اهل سنت نمی‌گذاریم که ادعا کنیم به مقدسات شما اهانت نمی‌کنیم، بلکه آموزه‌های دینی و ائمه ما به ما آموزش دادند. در کتاب «کافی» جلد ۲ صفحه ۶۳۶ روایتی وارد شده است که «معاویه بن وهب» یکی از اصحاب خاص امام صادق خدمت حضرت می‌رسد و عرضه می‌دارد: یا بن رسول الله برخورد و تعامل ما با اهل سنت چگونه باشد؟ امام صادق نمی‌فرمایند که برخوردتان خوب یا بد باشد، بلکه جمله‌ای فرمودند که بسیار روان شناختی و عمیق است. حضرت فرمود:

«تَنْظُرُونَ إِلَىٰ أُمَّتِكُمُ الَّذِينَ تَقْتَدُونَ بِهِمْ فَتَضَعُونَ مَا يَضَعُونَ»

نگاه کنید به پیشوایان خود که افتخار تقلید از آنها را دارید و هر طور آنها رفتار کنند شما نیز همان طور رفتار کنید.

«فَوَاللَّهِ إِنَّهُمْ لَيَعُوذُونَ مَرَضَاهُمْ وَيَشْهَدُونَ جَنَائِزَهُمْ وَيَقِيمُونَ الشَّهَادَةَ لَهُمْ وَعَلَيْهِمْ وَيُؤَدُّونَ الْأَمَانَةَ إِلَيْهِمْ»

بخدا سوگند آنها بیمارانشان را عیادت می‌کنند، و بر سر جنازه‌هاشان حاضر گردند و به سود و زیان آنها گواهی دهند و امانت‌های آنها را به آنها رد کنند.

الکافی، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ج ۲، ص

۶۳۶، ح ۴

آیا ما در استان‌های تلفیقی این روش را داریم؟ آیا به عیادت همسایه مریض سنی خود می‌رویم؟ آیا در تشیع جنازه اموات آنها شرکت می‌کنیم؟ آیا در محکمه، له یا علیه‌شان شهادت می‌دهیم؟

حضرت در حدیث ۵ می‌فرماید: اخلاق شما با اهل سنت باید طوری باشد که آنها شما را الگو قرار دهند. وقتی برخورد شما با آنها درست باشد، آنها به امام صادق دعا می‌کنند و می‌گویند:

«هَذَا أَدَبُ جَعْفَرٍ»

ادب جعفری چنین است.

«هَذَا جَعْفَرِي فَيَسْرُئِي ذَلِكَ»

او جعفری است و از این برخورد خوشحال می‌شوند.

الکافی، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ج ۲، ص

۶۳۶، ح ۵

ولی اگر اخلاق شما با اهل سنت بد باشد، باز هم به ما بد و بیراه می‌گویند که امام صادق نتوانسته اصحابش را درست تربیت کند. بنابراین دوستان در اینطور برخوردها دقت کنند. ائمه اطهار سفارش کردند که در نماز جماعت اهل سنت شرکت کنید.

«مَنْ صَلَّى مَعَهُمْ فِي الصَّفِّ الْأَوَّلِ كَانَ كَمَنْ صَلَّى خَلْفَ رَسُولِ اللَّهِ»

هرکس در صف اول نماز جماعت اهل سنت بخواند همانند این است که در صف اول پشت سر رسول خدا نماز خوانده است.

الكافی، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ج ۳، ص ۳۸۰، ح ۶

ما حدود ۱۲ روایت در این زمینه داریم و همه فقهای ما به این امر فتوا داده‌اند. این فرموده ائمه اطهار تنها به این جهت نیست که ما با اهل سنت نماز بخوانیم.

وقتی شما با اهل سنت برخورد و نشست و برخاست داشتید، همه اعمال و کردار و صحبت‌های شما را می‌بینند و جذب مذهب اهل بیت می‌شوند. یکی از مصادیق بارز روایت:

«وَكُونُوا دُعَاةً إِلَى أَنْفُسِكُمْ بِغَيْرِ أَلْسِنَتِكُمْ»

الكافی، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ج ۲، ص ۷۷، ح ۹

هم همین است. شما با رفتارتان مردم را به مکتب اهل بیت دعوت کنید نه با گفتارتان. وقتی در صف نماز جماعت می‌نشینید با شخص سمت راست و سمت چپ سخن می‌گویید، سلام می‌کنید، مشکلاتتان را با هم بازگو یا حل می‌کنید. در نتیجه رفاقت و دوستی ایجاد می‌شود.

در نتیجه همین عوامل باعث می‌شود که اهل سنت با آموزه‌های اهل بیت آشنا شوند. این برخوردهایی است که ائمه (علیهم السلام) بویژه حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) توصیه می‌کنند.

اینچنین شیعه، دشمن اهل بیت است!!

حضرت در برخورد اجتماعی، برخورد با دشمنان، برخورد با کسانی که قابل اصلاح هستند و برخورد با کسانی که با ما مشترکات زیادی دارند توصیه‌های فراوانی دارند. ما با آن‌ها کاری نداریم. فردای قیامت نه ما را در قبر اهل سنت می‌گذارند و نه اهل سنت را در قبر ما می‌گذارند. ما هم به هیچ وجه از طرف خدا تأمین و تضمینی نداریم. امام صادق می‌فرماید:

«و ما معنا برائة من النار»

ما برای هیچ کس کاغذ برائت نداریم.

بحار الأنوار- ترجمه جلد ۶۷ و ۶۸ / ترجمه موسوی همدانی، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد

تقی، مترجم: موسوی همدانی، ابو الحسن، ج ۱، ص ۹۷، ح ۴

به تمام شیعیان ما بگویید:

«مَنْ كَانَ لِلَّهِ مُطِيعاً فَهُوَ لَنَا وَليٌّ»

هرکس مطیع خدا باشد دوست ماست.

«وَ مَنْ كَانَ لِلَّهِ غَاصِباً فَهُوَ لَنَا عَدُوٌّ»

هرکسی معصیت خدا را مرتکب شود، دشمن ماست.

الكافی، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ج ۲، ص

۷۵، ج ۳

حضرت می‌فرماید: شیعه‌ای که شبانه روز کارش گناه و معصیت است دشمن ماست و ما هیچ تضمینی برای شفاعت او نداریم.

روایات متعددی در کتب شیعه داریم و اهل سنت هم در کتاب «صحیح بخاری» و «صحیح مسلم» آوردند که شخصی یک عمر عمل صالحین را انجام می‌دهد، اما لغزش‌های نابخشودنی دارد که در آخر عمر با صفت اهل جهنم از دنیا می‌رود.

در مقابل بعضی افراد هم مدام در حال گناه و معصیت هستند، اما یک عمل صالح انجام می‌دهند که دستشان را می‌گیرد و با عمل اهل بهشت از دنیا می‌رود. یکی از دعا‌های مهم همین عاقبت بخیری است.

حاج آقای اشراقی داماد امام خمینی (رضوان الله تعالی علیه) در قم همسایه ما بودند و ارتباط تنگاتنگی باهم داشتیم. ایشان در شرح حال امام خمینی نقل کردند که در حیات جماران با امام قدم می‌زدیم.

امام از من سؤال پرسیدند که اگر یک نفر صادق از سمت خدا پیام بیاورد که شما یک دعای قبول شده و حاجت مستجاب نزد من داری، آن دعای مقبول چه می‌تواند باشد؟

آقای اشراقی می‌گوید: من فکر کردم چه چیزی بخواهم. با خود گفتم خیر دنیا و آخرت بخواهم یا شفاعت بخواهم. خیلی چیزها به خاطر رسید، اما ترسیدم هرکدام را که بگویم امام ایراد بگیرند.

من در جواب گفتم: آقا اگر برای شما چنین اتفاقی بیفتد، چه نظری دارید و چه چیزی می‌خواهید؟ حضرت بلافاصله فرمود: من از خدا عاقبت بخیری می‌خواهم.

افراد زیادی از مکه و مدینه به همراه امام حسین راهی کربلا شدند. شب عاشورا امام حسین در بین یاران فرمودند: لشگریان دشمن فقط با من کار دارند، هر کس می‌خواهد می‌تواند برود.

بعد از فرمایش حضرت گروه گروه از اردوگاه امام حسین جدا شدند و شبانه رفتند. این افراد بدبخت تا در ورودی بهشت آمدند، اما چند قدم مانده به بهشت راه را برگشتند.

آیت الله شیخ محمد شاه آبادی استاذزاده امام بودند. ما افتخار داشتیم هشت سال خدمت ایشان خارج اسفار و عرفان خواندیم. ایشان همیشه می‌گفتند: روز عاشورا در آخرین لحظه عمر بن سعد در آخرین لحظات به یکی از غلامانش شمشیری داد و دستور داد سر امام حسین را جدا کن تا کار تمام شود. وقتی غلام آمد، حضرت با آن بدن بی‌رمقشان به او نگاهی کردند و فرمودند:

«أملك تريد أن يقتلني»

آیا کسی مثل تو می‌خواهد دامنش را به خون من آلوده کند؟

نمی‌دانیم آن نگاه و جمله امام حسین با این غلام چه کرد که با همان شمشیری که آمده بود سر امام حسین را جدا کند، برگشت و با سپاهیان عمر بن سعد جنگید و به شهادت رسید. نام او آخرین شهید در کربلا قبل از امام حسین ثبت شد.

او تا درگاه جهنم آمده بود و تا سقوط او به جهنم چند لحظه بیشتر نمانده بود، اما به جایی رسید که در رکاب امام حسین شهید شد.

لذا دوستان عزیز همیشه از خداوند عالم عاقبت بخیری بخواهیم. خدای ناکرده کاری نکنیم که در آخرین لحظات عمر نگاه کنیم و ببینیم تمام تلاش و زحماتمان هدر رفته است.

مشاهده کنید فرقه‌های نوظهوری به تازگی پیدا شده‌اند و مخصوصاً در استان شما هستند. همچنین سلفی‌ها و وهابی‌ها هم هستند. من به همه عزیزان توصیه می‌کنم که تلاش کنیم سنی، سنی بماند. حنفی، حنفی بماند. شافعی، شافعی بماند.

حال وضعیت طوری شده که این فرقه‌های نوظهور سنی‌های ما را سلفی و وهابی می‌کنند. یک سنی با شاخصه سنی به داعش نمی‌پیوندد، اما اگر سنی به سلفیت پیوست، زمینه پیوستن او به داعش کاملاً فراهم است.

تلاش کنیم شیعه، شیعه بماند. اگر شیعه منحرف و جذب یمانی‌ها شد، زمینه انتحار خیلی راحت برایش فراهم است. تلاش کنیم با دیگر فرق مخصوصاً اهل سنت برخورد درست و بسیار دوستانه داشته باشیم تا از راهشان منحرف نشوند.

همانطور که یک دکتر در برخورد با بیمار بسیار با محبت برخورد می‌کند، در برخورد با جوانان یا طلبه‌های سنی برخورد درست داشته باشیم. آن‌ها با همین برخورد شما مجذوب مذهب شما خواهند شد.

بنده سال ۱۳۸۸ مسافرتی به بیرجند داشتم. البته تجربه تلخی هم داشتم. ما در جمعی مطلبی خصوصی گفتیم و تقاضا کردیم که آقایان بزرگواری کنند و این مطلب تنها در جمع آن‌ها باقی بماند.

هنوز به قم نرسیده بودیم که دیدیم شبکه‌های وهابی نوار صحبت ما را پخش کردند. من به رئیس سازمان زنگ زدم و به کنایه گفتم: چقدر شما انسان‌های امانت‌داری هستید.

ما به حوزه علمیه اهل سنت رفتیم و با علمای آنجا نشست و صحبتی داشتیم. ما هدایایی هم به عنوان عیدی به اساتید آن‌ها دادیم و مشاهده کردیم که بعد از برگشت ما مرتب زنگ می‌زدند و تشکر می‌کردند و بعد از مدت‌ها ارتباط ما با آن‌ها برقرار بود.

ما با جناب «مولوی» همسفر مکه بودیم. ایشان می‌دیدند که چقدر برخورد ما با وهابی‌ها دوستانه و جذاب است. امروز هم قرار است دیداری با ایشان داشته باشیم. لذا تلاش کنید برخوردهای ما با مخالفین درست و جذاب باشد، همانطور که امیرالمؤمنین فرمود:

«مَنْ اسْتَضَلَّ عَدُوَّهُ زَادَ فِي عَدَدِهِ»

پروژه نفوذ در بدنه شیعه و حوزه های علمیه شیعه

تعدادی از جوانان عزیز ما جذب یمانی می‌شوند. بنده بارها گفته‌ام والله تالله بالله خطر یمانی‌ها و امثال «احمد الحسن» از خطر منافقین و داعش بیشتر است. آن‌ها توطئه آمریکا و اسرائیل است که آن‌ها را تربیت می‌کنند تا در درون شیعه و حوزه‌های علمیه نفوذ کنند.

یکی از این افراد در یکی روستاهای اطراف قم نماز جمعه می‌خواند که دوستان سپاه همانند آقای «تائب» فایل صوتی سخنان او را دارند. او خطاب به جوانان و طلبه‌های آنجا می‌گفت: "بروید کتاب‌ها و فرش‌ها و وسایلتان را بفروشید و اسلحه تهیه کنید. وقتی امام ما «احمد الحسن» دستور داد، ما باید طلبه‌های قم و نجف را پانصد نفر پانصد نفر قتل عام کنیم. همچنین باید مراجع را قتل عام کنیم."

یکی از شاگردان سابق آیت الله جوادی آملی جذب یمانی‌ها شده و در یک فایل صوتی که اخیراً از او به دستمان رسیده می‌گوید: "ما باید سه نفر را از کره زمین برداریم تا یمانی‌ها خوب رشد کنند؛ اولین نفر آیت الله العظمی خامنه‌ای است، دومین نفر آیت الله العظمی سیستانی و سومین نفر آیت الله العظمی مکارم شیرازی است. تا این سه نفر در قید حیات باشند یمانی‌ها موفقیت نخواهند داشت."

مشاهده کنید این افراد کجا را هدف قرار دادند. وهابیت و منافقین چنین موضع‌گیری نسبت به شیعه ندارند. آن‌ها عموم شیعه را مورد حمله قرار می‌دادند، نه یک طیف خاص.

والله اهانت‌هایی که یمانی‌ها به مراجع و بزرگان ما شیعیان دارند، در طول تاریخ هیچ دشمنی نسبت به مراجع و بزرگواران ما نداشتند. این اهانت‌ها و صحبت‌ها به قدری وقیح و نادرست است که خواندن آن هم خجالت‌آور است. آن‌ها تعابیر زشت و رکیکی نسبت به آیت الله خامنه‌ای و آیت الله سیستانی به کار برده‌اند که والله اراذل و اوباش نسبت به همدیگر چنین تعابیری به کار نمی‌برند.

آن‌ها وقیح‌ترین فحش و رکیک‌ترین اهانت را نسبت به مراجع تقلید ما به کار می‌برند. عرض کردم تاکنون هیچ وهابی، سلفی یا داعشی اینطور الفاظ رکیک نسبت به بزرگان ما نداشتند. بنابراین باید دقت کنیم و نسبت به افکار و اعتقادات فاسد این‌ها اطلاع رسانی کنیم.

در سال ۱۳۸۵ رهبر یمانی‌ها «احمد الحسن» نامه‌ای به مراجع نوشته بود که می‌توانید آن را در اینترنت هم پیدا کنید. نفر اول آیت الله العظمی خامنه‌ای (حفظه الله) و نفر دوم «حسینی قزوینی» در ایران بود. او این افراد را برای مناظره در ایران دعوت کرده بود.

بنده بیش از ۵۰ بار در شبکه‌های ماهواره‌ای و فضای مجازی گفته‌ام که آماده‌ام با این افراد مناظره کنم. بنده نه در خصوص اینکه «احمد الحسن» حق است یا باطل است یا آمده جلوی ظهور امام زمان را بگیرد؛ بلکه در کفر و مرتد بودن «احمد الحسن» مناظره می‌کنم!!

بنده با صد دلیل و برهان ثابت می‌کنم که این شخص مرتد و مهدور الدم و نجس است. هیچ مقدساتی نمانده که این افراد توهین نکرده باشند. به عنوان مثال او حضرت ابراهیم را بت پرست می‌خواند. حضرت یونس را جهنمی می‌خواند، در حالی که قرآن کریم می‌فرماید:

(وَإِنَّ يُونُسَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ)

و یونس از رسولان ما بود.

سوره صافات (۳۷): آیه ۱۳۹

از حضرت یونس خطایی سر زده بود. به خاطر این خطا حضرت در شکم ماهی ماند و این باعث شد که خدای عالم او را نجات بدهد.

(فَأَسْجَبْنَا لَهُ وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْعَمِّ وَكَذَلِكَ نُنَجِّي الْمُؤْمِنِينَ)

ما دعای او را به اجابت رساندیم، و از آن اندوه نجاتش بخشیدیم، و همین گونه مؤمنان را نجات می دهیم.

سوره انبیاء (۲۱): آیه ۸۸

آیا توهینی بالاتر از این وجود دارد؟ او در کتاب «متشابهات» جلد ۴ صفحه ۱۰۴ رسماً اعلام می کند که حضرت یونس به جهنم رفته و تا قیامت در جهنم می سوزد.

من می گویم از علمای شیعه و علمای سنی هم سؤال نکنید، بلکه از علمای وهابی سؤال کنید که اگر کسی چنین تعبیری نسبت به پیغمبر بزرگی همانند حضرت یونس چنین تعبیری به کار ببرد مسلمان است یا خیر؟!

شما از مسلمان ها سؤال نکنید، بلکه از خاخام های یهود و اسرائیل سؤال کنید که اگر شخصی به یک پیغمبری چنین توهینی کند و ادعا کند که پیغمبری در آتش جهنم است، آیا کافر است یا مؤمن؟! شما از علمای یهود چنین سؤالی پرسید.

بنده واقعاً تأسف می خورم که در قزوین یکی از بچه های سپاهی بازنشسته با درجه جانبازی بالای ۵۰ درصد رهبر یمانی ها شده است. ما یکی از دوستان را برای مناظره با این شخص فرستاده بودیم. او وقتی چشمش به شخصی که از طرف ما رفته بود افتاده بود، به او گفته بود که من نمی توانم با شما بحث کنم، زیرا درجه علمی شما خیلی بالاتر از من است. بنده واقعاً تأسف می خورم.

او همچنین ادعا می‌کند که در وجود امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) ظلمتی بود که اگر آن ظلمت نبود، علی به جای پیغمبر می‌نشست.

او ادعا می‌کند که اگر امیرالمؤمنین ظلمت نداشت، لازم نبود پیغمبر اکرم بیاید و علی به جای او می‌نشست!! او یک سری مزخرفاتی دارد که انسان متحیر می‌ماند.

من بارها اعلام کردم که آماده مناظره و مباحثه با این افراد هستم، اما تاکنون جوابی نداده‌اند. بنده بارها به این افراد گفته‌ام با توجه به تجربه سی ساله‌ای که در این زمینه دارم مردم به من محبت دارند. اگر بتوانید من را جذب یمانی کنید، یقیناً ۵۰۰ هزار نفر همراه من می‌آیند.

بنده بارها به این افراد اعلام کردیم که بیایید با هم صحبت کنیم. الان بیش از ده سال است که ما این خواسته را داریم، اما یک نفر به ما جواب ندادند. دلیل جواب ندادنشان این است که خفاش گونه بودجه‌هایشان از سوئد و آمریکا و عربستان می‌رسد و تبلیغات گسترده دارند.

دشمنان از داعش و طالبان خیر ندیدند. حال فرقه یمانی را پرورش می‌دهند و همانند مار در آستین عمل می‌کنند تا روزی از آن‌ها استفاده کنند.

زمانی که کسی در ایران منافقین را خطر نمی‌دانست، بنده اعلام کردم که آن‌ها خطرناک هستند. الان می‌گویم بنده یک مصاحبه مطبوعاتی داشتم که بعضی اساتید اعتراض کردند مبنی بر اینکه خیلی تند حرف زدید و گفتید که آن‌ها از منافقین و داعش بدتر هستند. من گفتم: در مورد منافقین من خطر آن‌ها را اعلام کردم، اما دوستان قبول نکردند. بعد از کمتر از یک سال همان شد که گفتم.

در رابطه با «احمد الحسن» و یمانی‌ها هم با کمال قاطعیت می‌گویم که خطرشان خیلی بیشتر از داعش برای جامعه شیعه و حکومت اسلامی و حوزه‌های علمیه و مراکز نظامی ماست.

لذا باید اطلاع رسانی کنیم و مردم را آگاه کنیم تا فریب خورده‌ها را با سخنان زیبا و برخورد نیکو از جذب شدن نجات دهیم.

بنده بیش از این مصدع اوقات شما نشوم و از اینکه کمی طول کشید از همه عزیزان پوزش می‌طلبم. اجازه بدهید چند دعا کنیم.

خدایا تو را به ولایت علی بن ابی طالب قسم می‌دهیم فرج فرزند بزرگوارشان حضرت مهدی نزدیک بگردان. خدایا ما را از یاران خاص و سربازان فداکار و شهدای رکابش قرار بده. خدایا انقلاب ما را به انقلاب جهانی‌اش متصل بفرما.

خدایا خدمتگزاران به اسلام و قران و اهل بیت در هر لباسی هستند، بالاخص مقام معظم رهبری موفق و مؤید بدار. خدایا بحق حضرت فاطمه زهرا این توفیق را نصیب ما بگردان همانطور که امام راحل ما فرمودند نظام مقدس جمهوری اسلامی را تقدیم مولایمان حضرت بقیه الله الاعظم کنیم.

خدایا به آبروی امیرالمؤمنین به همه رزمندگان و مجاهدین که در هر جای عالم در جبهه کفر علیه ایمان و نفاق علیه ایمان می‌جنگند به ویژه عزیزانمان در یمن پیروزی و نصرت نهایی نصیبشان بگردان.

خدایا رفع گرفتاری از همه گرفتاران بنما. خدایا عزیزان ما که در کشمیر گرفتار هستند، به آبروی حضرت صدیقه طاهره هرچه سریع‌تر از آن‌ها رفع گرفتاری بنما. خدایا به حق حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) حوائج ما را برآورده کن. خدایا دعا‌های ما به اجابت برسان.

هدیه به ارواح پاک انبیاء، اولیاء، شهداء، صدیقین، صالحین بالاخص امام راحل و دو یارگارش صلواتی ختم بفرمایید.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته